جامعه از دانستن آن محروم باشد؟ مضاف بر اینکه این دانش، ریشه در آب و خاک و باور این سرزمین دارد؛ ملموس، قابل پذیرش و باور کردنی است؛ پاکیزه است و به ارتقای تقوای اجتماعی کمک می کند.

چقدر خاطرات انقلاب و پیش از انقلاب جمع آوری و تدوین شده است؟

تلاش های انجام شده در این عرصه ستودنی است. این ستایش متعلق به همه مؤسساتی است که در این موضوع کار می کنند. بله، می توان به آسیب شناسی آثار یاد شده پرداخت و کتاب های خاطرات انقلاب را نقد و بررسی کرد، اما در زمان حال باید ابتدا به تشویق همه افراد و سازمان هایی که قدمی در این راه برمی دارند، پرداخت و بعد به تصحیح شیوه ها و راهکارها روی آورد. گام های اول را در این حیطه، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران برداشت. بنیاد، جمع آوری خاطرات شاهدان و دست اندرکاران نهضت امام خمینی(ره) را بهنگام شروع کرد، یعنی زمانی که معمران دوران مبارزه در قید حیات بودند. بایگانی بنیاد از این جهت کم نظیر و گاه بی نظیر است. متأسفانه فعالیت بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی در ده سال اخیر فروکش کرده است.

در اوایل دهه هفتاد، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی در حوزه هنری پایه گذاری شد. این دفتر وظیفه خود را پژوهش در تاریخ انقلاب اسلامی تعریف کرد و در یک شاخه، به جمع آوری خاطرات دوران مبارزه پرداخت که اینک اندوخته ای افزون بر شش هزار ساعت مصاحبه دارد.

در همین دوره مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فعالیت خود را در سایه تغییر مدیریت افزایش داد و خیلی زود توانست از نظر کمی مؤسسات همکارش را پشت سر بگذارد. اگر محصولات و منشورات این سه سازمان را احصا کنید و در کنار آثاری که نهادهای پژوهشی و اسنادی دیگر منتشر کرده اند، بگذارید (همچون مرکز بررسی اسناد تاریخی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، سازمان اسناد ملی ایران (پیشین)، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، دفتر نشر معارف انقلاب، سازمان اسناد و مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (پیشین)، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و ...) می بینید که چه مخزن قابل اتکایی برای تحقیقات مرتبط با تاریخ انقلاب اسلامی در دست است.

خاطره نویسی ها چقدر می تواند به تدوین تاریخ انقلاب کمک کند؟ چقدر توانسته ایم از تاریخ انقلاب در این زمینه بهره بگیریم؟

تدوین و تولید خاطرات انقلاب اسلامی را نمی توان معادل تاریخ نگاری انقلاب اسلامی محسوب کرد، بلکه همان طور که از پرسش شما برمی آید خاطره نویسی مقدمه تاریخ نگاری است. در این حالت خاطرات یکی از مدارک و اسناد به شمار آمده، به کمک تاریخ پژوه می آید. از نظر من ما در دوره تولید مصالح تاریخ نگاری هستیم و از آن جمله خاطرات است. هر چند نگارش تاریخ انقلاب اسلامی - منظورم دوره مبارزه (۱۳۵۷-۱۳۴۲) است - آغاز شده است، ولی نمی توانیم خود را در دوره تاریخ نگاری انقلاب اسلامی بدانیم. اما هم پوشانی خوبی میان اسناد و خاطرات ایجاد شده است و باز فکر می کنم حجم کتاب های خاطرات و اسناد به اندازه ای رسیده است که بتواند دست مورخ حرفه ای را برای پژوهش های تاریخی در دوره یاد شده کاملاً باز بگذارد.

این نکته هم گفتنی است که تولید مستندات داخلی، چه از نظر کمی و چه از نظر محتوا، در مرتبه ای است که هر تاریخ نگاری، داخلی یا خارجی، ناگزیر از مداقه و ملاحظه آنهاست. اتفاقاً به دلیل انباشت منابع اصلی در داخل کشور، تا حد زیادی بی نیازی به منابع خارجی فراهم آمده است و مورخ داخلی می تواند با اتکا به مدارک وطنی با هر گرایشی از مکتب های تاریخ نگاری، اقدام به نگارش تاریخ انقلاب کند. اما تاریخ نگار خارجی فارغ از این مصالح بعید است بتواند سازه تاریخ خود را در مورد انقلاب بالا ببرد. این همان دست بالایی است که اینک پیدا شده و به نظرم نکته با اهمیتی است.

خاطره نویسی چقدر می تواند بسترساز داستان و ادبیات داستانی باشد؟

این تأثیر نه تنها غیر قابل انکار بلکه بسزا و بسیار زیاد است. سروکار داستان پرداز در یک اثر داستانی با جزئیات است؛ جزئیات حوادث، جزئیات مناسبات انسانی، جزئیات جغرافیای مناطق درگیری و ... اگر داستان نویس از این اطلاعات و آگاهی ها به دور باشد چه متنی می تواند خلق کند؟ در مورد دفاع مقدس می بینید بیشتر نویسندگانی که توان خلق داستان از مناطق جنگی را داشته اند خود دوره ای از جنگ را از سر گذرانده اند. همه آنچه را در بافت داستان خود آورده اند، دیده اند، شنیده اند یا خلق ذهنیت مأنوس با جنگ شان بوده است. از قضا آنها که از این اجزا به دور ماندند و خواستند از جنگ بنویسند، بالاجبار به آنچه در شهرها دیده بودند روی آوردند؛ مثل بمباران شهرها یا جنگ شهرها، دوره ای که شهرهای بزرگ ایران با هواپیما یا موشک های دوربرد بمباران می شد؛ یا حال و هوایی که با آمدن پیکر شهدا به شهرها رخ می نمود و از این قبیل. خوب، این مربوط به دوره ای است که نویسندگان از نزدیک شاهد رخدادهای اصلی و فرعی جنگ بودند. بعد از این چه خواهد شد؟ آیا پس از این نباید داستانی با مضامین جنگ نوشته شود؟ نسل پسین نتوانسته آنچه را در هشت سال تحمیل جنگ و مقاومت مردم گذشته لمس کند؛ پس چاره ای جز رجوع به مستندات جنگ که در کتاب های خاطرات ثبت و ضبط است، ندارد.

ویژگی های یک خاطره چیست و کسانی که خاطره را تدوین می کنند ملزم به رعایت چه نکاتی هستند؟

پاسخ این سؤال پر دامنه است، اما به طور اجمال، از دو منظر به آن می پردازم؛ اول از دیدگاهی که خاطره یکی از مواد اولیه تاریخ است. اگر قرار باشد خاطره به کار تاریخ نگاری بیاید، باید خالی از مختصات زیر نباشد:

۱- شخصیت های آن، افرادی که کنش هایشان فرازهای خاطره را تشکیل می دهند، باید شناسنامه دار باشند.

۲- جغرافیای حوادث و رخدادها باید روشن و قابل شناسایی باشد. اتفاقات یک حادثه نمی تواند در بسترهای نامعلوم رخ دهد.

۳- زمان و تاریخ اتفاقات نیز باید معلوم باشد. این زمان در حداقل خود همان روز و ماه و سال است.

این سه مؤلفه اگر از حداقل ها عبور کند و با پرداخت و تذکر جزئیات همراه باشد، قوام خاطره را افزایش می دهد و در امر سندشناسی، به کمک تاریخ نگار

در اوایل دهه هفتاد، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی در حوزه هنری پایه گذاری شد. این دفتر وظیفه خود را پژوهش در تاریخ انقلاب اسلامی تعریف کرد و در یک شاخه، به جمع آوری خاطرات دوران مبارزه پرداخت که اینک اندوخته ای افزون بر شش هزار ساعت مصاحبه دارد.
همزمان با جنگ و به ویژه پس از پایان آن ریشه های نهضتی که از آن به عنوان «نهضت خاطره نویسی» یاد کرده ام، در خاک ادبیات ایران دوید. جنگ، و در واقع دفاع از چنان ابعاد گسترده ای برخوردار بود که ناخودآگاه تبدیل به موضوع اول کنش های ادبی شد